اللهم العن صنمی قریش



دعای صنمی قریش و اعتبار آن

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

مشخصات کتاب

سرشناسه : تربتی کربلایی ، حیدر ، 1338 -

عنوان و نام پدیدآور : دعای صنمی قریش و اعتبار آن/ حیدر تربتی کربلایی .

مشخصات نشر : قم : عطر عترت ، 1390 .

مشخصات ظاهری : 92ص .

شابک : 50000ریال : 978-600-5588-72-9

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : دعای صنمی قریش

شناسه افزوده : تربتی ، محدثه ، 1368 -

رده بندی کنگره : BP270 /ص9041 1300ی

شماره کتابشناسی ملی : 3548832

ص : 1

دعای صنمی قریش و اعتبار آن

عبد الزهراء (علیها السلام) حیدر

بسم اللّه الرّحمن الرّحیم

جهت ترویج فرهنگ اهل بیت و شعائر ولایت حضرات معصومین علیهم السّلام و برائت از دشمنان آنان ، در تکثیر این کتاب وبرگزاری مجالس قرائت این دعای شریف ، با رعایت موارد تقیّه کوشا باشید تا مرهمی بر زخم سینه حضرت صدّیقه طاهره فاطمه زهرا سلام اللّه علیها قرار دهید .
این کتاب اهدایی بوده و خرید و فروش آن شرعاً جایز نیست .

پیشگفتار: تبرّی و لعن از دیدگاه قرآن و عترت

بسم اللّه الرحمان الرحيم

الحمد للّه ربّ العالمين و صلّى اللّه على سيّدنا محمّد

و آله الطّاهرين و لعنه اللّه على أعدائهم أجمعين

«تبرّی» به معنای بیزاری جستن از دشمنان خدا ، پیامبر و امامان بوده ، بخشی از توحید و اعتقاد به آن واجب ضروری قرآن ، سنّت مطهّره ، فطرت و عقل است .

اهمّیّت این موضوع تا جایی است که توحید - که همان پذیرش ولایت است - بدون برائت تحقّق نمی یابد . و «لعن» یکی از برترین مظاهر و مصادیق تبرّی است .

«لعن» در لغت به معنای نفرین کردن و در اصطلاح اسلام به معنای آرزوی دوری از رحمت خدا و نزدیکی عذاب است که در آیات و روایات فراوانی آورده شده است . مثلاً در آیات ذیل ، کافران ، منافقان و آزاردهندگان خدا و پیامبر به طور ویژه مورد لعنت قرار گرفته اند :

«إِنَّ الَّذِینَ کَفَرُوا وَ ماتُوا وَ هُمْ کُفّارٌ أُولئِکَ عَلَیْهِمْ لَعْنَهُ اللّهِ وَ الْمَلائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعینَ(1) - همانا کسانی که کافر شدند و در حال کفر از دنیا رفتند ، لعنت خدا ، فرشتگان و تمامی مردم بر آنان است» .

«وَعَدَ اللَّهُ الْمُنافِقینَ وَ الْمُنافِقاتِ وَ الْکُفّارَ نارَ جَهَنَّمَ خالِدینَ فیها هِیَ حَسْبُهُمْ وَ لَعَنَهُمُ اللّهُ وَ لَهُمْ عَذابٌ مُقیمٌ(2) - خداوند آتش جهنّم را به مردان و زنان نفاق پیشه و کافران ، وعده داده است که در آن جاوید باشند . آتش برای آنان بس است . خداوند آنان را لعنت کرده و عذابی پایدار برای آنان است» .

«إِنَّ الَّذینَ یُؤْذُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهیناً(3) - همانا کسانی که خدا و پیامبرش را

1- (۲) سوره البقره : آیه۱۶۲ .
2- (۹) سوره التوبه : آیه۶۸ .
3- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه۵۸ .

می آزارند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنان عذابی خوارکننده مهیّا ساخته است» .

لعن ، در روایات بسیاری نیز آورده شده است که دعای امام صادق علیهم السلام پس از انجام فرائض ، دعای سجدهٔ شکر از امام رضا علیهم السلام و دعای ارزشمند صنمی قریش ، سه مورد از آن ها است .

امّا دربارهٔ دعای صنمی قریش ، برخی گفته اند : دعای صنمی قریش معتبر نیست .

گوییم : هر چند بازار شلوغ است و همه خود را صاحب نظر می دانند ، امّا بایسته است که بدانیم گویندگان چنین سخنانی ، بیماردلان کج اندیش و مُنّی بدتر از سنّی (البتّه صحیح است گفته شود بکری ، عمری ، عثمانی ، اموی ، ابوسفیانی ، یزیدی و ناصبی و اهل بدعت و . . .) هستند که جز شمشیر کج حضرت صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف ، آنان را راست نمی کند زیرا به

هرچه در راستای تلقین ، تأیید و تحکیم ولایت آل محمّد صلّی الله علیهم و برائت از دشمنان آنان علیهم لعائن الله باشد ، حمله ور شده و با القای شبهه می خواهند نور خدا را خاموش کنند ، غافل از آنکه خداوند نور خویش را تمام خواهد نمود گرچه کافران را ناخوش آید .

این مختصر - که شامل سه بخش : وجوب برائت و مسائل مربوط به آن که دانستن آنها بر هر مسلمانی واجب است ، وجوه اعتبار دعای صنمی قریش ، و بالاخره متن تلفیقی دعای صنمی قریش است - جهت اتمام حجّت و ارتقای سطح آگاهی موالیان حقیقی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، عرضه می شود . امید است مورد پذیرش امام غریب زمان ولیّ الله الأعظم حجّه بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد .

امّا دربارهٔ تبرّی ، باید نکاتی را مدّ نظر داشته باشیم . نخست باید حق و اهل آن و باطل و اهل آن را به خوبی بشناسیم تا

بدانیم چرا از فرد یا گروه خاصّی بیزاری می جوییم .

وهم چنان که برای شناسایی باطل و اهلش ، به سراغ قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می رویم ، باید چگونگی اظهار تبرّی را نیز از آنان بیاموزیم . بنابراین نمی توانیم در این راستا دست به هر اقدامی بزنیم بلکه باید سنّت و سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام را مدّ نظر داشته باشیم . و هرگز نباید از ضرورت تقیّه در مواضع آن غافل شویم زیرا اهل بیت علیهم السلام فرموده اند : «هرکس تقیّه نمی کند ، د ین ندارد» .

همچنین امام جعفر صادق (علیه السلام) به یکی از اصحاب خود به نام معلّی بن خنیس فرمودند :

یا مُعَلَّی ! أُکْتُمْ أَمْرَنا وَ لا تُذِعْهُ ، فَإِنَّ مَنْ کَتَمَ أَمْرَنا وَ لَمْ یُذِعْهُ ، أَعَزَّهُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا ، وَ جَعَلَهُ نُوراً بَیْنَ عَیْنَیْهِ فِی الْآخِرَهِ ، یَقُودُهُ إِلَی الْجَنَّهِ .

یا مُعَلَّی ! مَنْ أَذاعَ حَدیثَنا وَ أَمْرَنا وَ لَمْ یَکْتُمْهُ ، أَذَلَّهُ اللَّهُ بِهِ فِی الدُّنْیا ، وَ نَزَعَ النُّورَ مِنْ بَیْنِ عَیْنَیْهِ فِی الْآخِرَهِ ، وَ جَعَلَهُ ظُلْمَهً

تَقُودُهُ إِلَى النّارِ .

يا مُعَلَّى ! إِنَّ التَّقِيَّهَ دِينى وَ دِينُ آبائى ، وَ لا دينَ لِمَنْ لا تَقِيَّهَ لَهُ . يا مُعَلَّى ! إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِى السِّرِّ ، كَما يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ فِى الْعَلانِيَهِ .

يا مُعَلَّى ! إِنَّ الْمُذيعَ لِأَمْرِنا كَالْجاحِدِ لَه (1)-

ای معلّی ! امر (گفتار و کردار و اسرار) ما اهل بیت را (جز در آنجا که شایسته است) پنهان داشته و فاش نگردان ، زیرا هرکس امر ما را (نزد نااهل) پنهان دارد و فاش نکند ، خداوند او را در دنیا عزیز و گرامی کند و در آخرت آن را نوریدر میان دو چشم او قرار می دهد که او را به دنبال خود به بهشت می برد .

1- بحارالأنوار : جلد2صفحه73 باب13 حدیث41 و جلد72صفحه421 باب87 حدیث80 از مشکاهالأنوار : صفحه40 فصل11 و المحاسن : جلد1 صفحه255باب31 حدیث286 ، وسائل الشیعه : جلد16 صفحه210 باب24 حدیث21379 .

ای معلّی ! کسی که سخن و کار ما را (جایی که شایسته نیست) فاش کند و پنهان نکند ، خداوند او را بدان ، در دنیا خوار گرداند ، و در آخرت ، نور میان دو چشمش را بردارد و آن را تاریکی و ظلمتی قرار دهد که او را به سوی آتش می کشاند .

ای معلّی ! همانا تقیّه (ابراز نکردن باورها در غیر موضع آن) ، دین من و دین پدران من است . و آن کس که تقیّه نکند ، دین ندارد .

ای معلّی ! همانا خداوند دوست دارد در پنهان پرستیده شود ، چنان که دوست دارد آشکارا عبادت شود (ارزش ، پرستش خداوند است . بنابراین اگر اقتضای شرایط ، پرستش خدا در نهان باشد ، خداوند به آن راضی خواهد بود و اهمّیّت آن ، کمتر از عبادت آشکارا نیست) .

ای معلّی ! همانا آن کس که امر (گفتار و کردار و اسرار) ما را

(در غیر جایگاه آن) فاش می کند ، مانند کسی است که آن را انکار و تکذیب می کند .

شیخ طوسی از ابونصر هبهالله بن محمّد نقل می کند که گفت : ابوالحسن بن کبریاء نوبختی ، برای من نقل کرد که به شیخ ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه (سوّمین نائب خاص امام زمان عجّل الله فرجه الشّریف) خبر رسید که یکی از دربان های شما ، معاویه را لعنت می کند و به وی ناسزا می گوید .

از این رو ، حسین بن روح دستور داد او را راندند و از خدمت عزل کردند . دربان مدّت درازی بیکار بود و خواهش می کرد که او را به کار سابق برگردانند ، ولی به خدا قسم ! حسین بن روح او را دیگر به سر خدمت خود نیاورد ، تا آنکه یکی از بستگان حسین بن روح ، او را استخدام کرد که با وی در جایی کار کند . حسین بن روح ، تمام این کارها را از روی

تقیّه انجام می داد . (1)

بنابراین بایسته است که مواضع تقیّه را به خوبی بشناسیم و چنان چه اهل بیت امر کرده اند عمل کنیم تا مبادا سرگرم فرع شویم و اصل را از یاد ببریم که اگر بر اثر تقیّه نکردن ما ، به اسلام یا جان ، ناموس یا آبرو و مال مسلمانی آسیبی برسد ، قطعاً مسئول خواهیم بود .

بیزاری از دشمنان اهل بیت(علیهم السلام) بخشی از توحید است

1- بحارالأنوار : جلد51 صفحه357 از کتاب الغیبه شیخ طوسی : صفحه384 .

امام محمّد باقر (علیه السلام) فرمودند : تَصْدِیقُ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَصْدِیقُ رَسُولِهِ صلی الله علیه و آله وَ مُوالاهُ عَلِیٍّ (علیه السلام) وَ الِائْتِمامُ بِهِ وَ بِأَئِمَّهِ الْهُدی (علیهم السلام) وَ الْبَراءَهُ إِلَی اللّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ هکَذا یُعْرَفُ اللّهُ عَزَّوَجَل - (معرفت خدا عبارت است از) : تصدیق خداوند عزّوجلّ ، تصدیق پیامبرش صلی الله علیه و آله ، موالات حضرت علی (علیه السلام) ، پذیرفتن امامت او و امامان هدایت (علیهم السلام) و بیزاری جستن از دشمنان آنان به درگاه خداوند تعالی . خداوند عزّوجل این چنین شناخته می شود . (1)

ابوبکر و عمر کافرند و...

امام زین العابدین (علیه السلام) درباره ابوبکر و عمر فرمودند : کافِرانِ ، کافِرٌ مَنْ أَحَبَّهُما- آن دو کافر بودند و کسی که آن دو را

1- الکافی : جلد۱ صفحه۱۸۰ باب معرفه الإمام و الرّد إلیه . . . حدیث1 به سندش از ابوحمزه ثمالی از امام محمّد باقر (علیه السلام) .

دوست بدارد نیز کافر است . (1)

و در حدیث دیگری فرمودند : هُما أَوَّلُ مَنْ ظَلَمَنا حَقَّنا وَ أَخَذا مِیراثَنا ، وَ جَلَسا مَجْلِساً کُنّا أَحَقَّ بِهِ مِنْهُما ، لا غَفَرَ اللّٰهُ لَهُما وَ لا رَحِمَهُما ، کافِرانِ ، کافِرٌ مَنْ تَوَلّاهُما

آن دو نخستین کسانی بودند که به ما درباره ٔ حقّ ما ظلم کردند و ارث ما را به غصب و ناحق تصرّف کردند و در جایگاهی نشستند که ما از آن ها نسبت به آن سزاوارتر بودیم . خداوند آنان را نیامرزد ، و آنان را مورد رحمت قرار ندهد . آن دو کافر بودند و کافر است هرکسی که آنان را سرپرست خود برگزینند . (2)

ولیّ معصوم امر به بیزاری جستن از آن دو می کند

1- تقریب المعارف : صفحه۲٤٤ ، بحارالأنوار : جلد۳۰ صفحه۳۸۱ باب۲۰ و جلد٦۹ صفحه۱۷۸ باب۱۰۱ حدیث۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد۱۸صفحه۱۷۸ باب۸ حدیث۲۲٤۳۸-۱۹ .
2- تقریب المعارف : صفحه۲٤٤ ، بحارالأنوار : جلد۳۰ صفحه۳۸۱ باب۲۰ و جلد٦۹ صفحه۱۷۸ باب۱۰۱ حدیث۲۵ ، مستدرک الوسائل : جلد۱۸ صفحه۱۷۸ باب۸ حدیث۲۲٤۳۹-۲۰ .

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند : . . . ما أُهْریقَ فِی الْإِسْلامِ مِحْجَمَهٌ مِنْ دَمٍ وَ لا اکْتُسِبَ مالٌ مِنْ غَیْرِ حِلِّهِ وَ لا نُکِحَ فَرْجٌ حَرامٌ إِلّا وَ ذَلِکَ فِی أَعْناقِهِما إِلَی یَوْمِ الْقِیامَهِ حَتَّی یَقُومَ قائِمُنا ، وَ نَحْنُ مَعاشِرَ بَنِی هاشِمٍ نَأْمُرُ کِبارَنا وَ صِغارَنا بِسَبِّهِما وَ الْبَراءَهِ مِنْهُما

تا روز قیامت هیچ خونی به ناحق در اسلام ریخته نشود و هیچ مالی نیست که به ناحق به دست آید و هیچ ناموسی به حرام نرود مگر اینکه گناه آن بر گردن آن دو نفر است تا آن هنگام که قائم از ما اهل بیت قیام نماید و ما خاندان بنی هاشم ، بزرگان و کودکان خود را به دشنام دادن و بیزاری جستن از آنان فرمان می دهیم . (1)

کوتاهی در لعن دشمنان اهل بیت(علیهم السلام)، موجب لعنت خداست

1- بحارالأنوار : جلد47 صفحه323 باب10حدیث17 از إختیار معرفه الرّجال ، الکشّی : صفحه206 حدیث363 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) .

امام جواد (علیه السلام) فرمودند : رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند : مَنْ تَأَثَّمَ أَنْ یَلْعَنَ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ

لعنت خدا بر آن کس باد که از لعنت کردن کسی که خدا او را لعنت کرده ، روی گرداند . (1)

جبت و طاغوت، چه کسانی هستند؟

امام باقر (علیه السلام) در تفسیر آیه ی* . . . فَالَّذینَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

کسانی که به وی ایمان آورده اند و او را گرامی داشته و یاری کردند و از نوری که همراه با او نازل شد ، پیروی کردند ، همانان اند رستگاران*(2) فرمودند : . . . فَالَّذِینَ آمَنُوا بِهِ ، یَعْنی بِالْاِمامِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذی أُنْزِلَ مَعَهُ أُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ، یَعْنی الَّذِینَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتَ وَ الطّاغُوتَ أَنْ

1- بحارالأنوار : جلد۲۵ صفحه۳۱۸ باب۱۰ حدیث۸۵ از إختیار معرفه الرّجال ، الکشّی : صفحه۵۲۸ حدیث۱۰۱۲ به سندش از امام جواد (علیه السلام) .
2- (۷) سوره الأعراف : آیه۱۵۸ .

يَعْبُدُوها ، وَ الْجِبْتُ وَ الطّاغُوتُ : فُلانٌ وَ فُلانٌ وَ فُلانٌ ، وَ الْعِبادَةُ طاعَةُ النّاسِ لَهُمْ(1) . . . مقصود خداوند از عبارت «آنان كه به او ايمان آوردند» ، امام است و مقصود از گرامى دارندگان و يارى كنندگان و پيروان از نور نازل شده همراه با پيامبر ، كسانى هستند كه از پرستش «جبت» و «طاغوت» سرباز زدند و پرهيز نمودند . و همانا «جبت» و «طاغوت» (بارزترين مصاديق كفر) ، فلانى (ابوبكر) و فلانى (عمر) و فلانى (عثمان) هستند و مقصود از پرستش (آنان) ، فرمان بردارى مردم از ايشان است . . . .

امام محمّد باقر (عليه السلام) در تفسير جبت و طاغوت (دو بت بزرگ) در آيه كريمه : *أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيباً مِنَ الْكِتابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَ الطّاغُوتِ* فرمود : مقصود فلانى (ابوبكر)

1- كتاب شريف «الكافى» جلد١ صفحه٤٢٩حديث83 به سند خود از ابو عبيده حذّاء از امام باقر (عليه السلام) .

و فلانی (عمر) می باشد . (1)

ابوبکر و عمر و عثمان یعنی: مظاهر و اساس و ... کفر، فسوق، عصیان، فحشاء، منکر، بغی و آنچه حرام است

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه کریمه *وَ حَبَّبَ إِلَیْکُمُ الْإِیمانَ وَ زَیَّنَهُ فی قُلُوبِکُمْ* فرمود : (مراد از) ایمان در این کلام خدای متعال ، امیرالمؤمنین است و (مقصود از) کفر و فسوق و عصیان ، اولی (ابوبکر) و دومی (عمر) و سومی (عثمان) هستند (زیرا بنیان گذار کفر و فساد و عصیان ، آنان بودند) (2) .

1- بحارالأنوار : جلد۳۰ صفحه۱۸۷ باب۲۰ حدیث46 از کتاب شریف بصائرالدّرجات : جلد۳٤ باب۱٦ حدیث۳ به سند خود از امام محمّد باقر (علیه السلام) . و در کتاب شریف بشاره المصطفی : صفحه۱۹۳نیز مانند آن است .

2- بحارالأنوار : جلد۲۲ صفحه۱۲۵ باب۳۷ حدیث96 و جلد۲۳ صفحه۳۷۹ باب۲۱ حدیث٦۷ و تأویل الآیات الظّاهره : صفحه۵۸۵ از کتاب شریف الکافی : جلد۱ صفحه٤۲٦ باب فیه نکت و نتف من التّنزیل فی الولایه حدیث71 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) . در بحارالأنوار : جلد۳۰ صفحه۱۷۱ باب۲۰ حدیث28 و جلد۳۵ صفحه۳۳٦ باب۱۳ حدیث۱ از تفسیر شریف علیّ بن ابراهیم قمی : جلد۲ صفحه۳۱۹ و در کتاب شریف مناقب آل أبی طالب : جلد۳ صفحه۹٤ نیز مانند آن آمده است .

امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکر فرمودند : (مقصود) ولایت فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) است . (1)

امام محمّد باقر (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکر در آیه کریمه : *إِنَّ اللّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ ایتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ وَ الْبَغْیِ یَعِظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُونَ* فرمودند : خداوند از فحشاء و منکر بازداشته است و همانا

آنان ، کسانی هستند که به ما اهل بیت ظلم کرده و به سوی غیر ما دعوت

1- تفسیر شریف العیّاشی : جلد٢ صفحه٢٦٧ حدیث60 به سند خود از امام جعفر صادق (علیه السلام) .

کردند . (1)

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر فحشاء ، منکرو بغی فرمود : مقصود فلانی (ابوبکر) و فلانی (عمر) و فلانی (عثمان) است . (2)

1- بحارالأنوار : جلد۲۳ صفحه۲٦۸ باب۱۵حدیث15 و جلد۲٤ صفحه۱۹۰ باب۵۲ حدیث۱٤ و جلد۳٦ صفحه۱۸۰باب۳۹ از تفسیر شریف العیّاشی : جلد۲ صفحه۲٦۷ حدیث59 به سند خود از امام محمّد باقر (علیه السلام) . در تفسیر شریف العیّاشی : جلد۲ صفحه۲٦۸ حدیث63 نیز مانند آن آمده است .
2- بحارالأنوار : جلد۲٤ صفحه۱۸۸ باب۵۲ حدیث6 و جلد۳۰ صفحه۱۷۱ باب۲۰ حدیث ۲٦ و جلد۳٦ صفحه۱۷۹ باب۳۹ حدیث۱۷۲ از تفسیر شریف علیّ بن ابراهیم قمی : جلد۱ صفحه۳۸۸ . همچنین بحارالأنوار : جلد۳٦ صفحه۱۸۰ باب۳۹ حدیث173 از تفسیر شریف العیّاشی : جلد۲ صفحه۲٦۷ حدیث٦۲ به سندش از امام باقر (علیه السلام) مانند آن را آورده است .

امام محمّد باقر (علیه السلام) در تفسیر فحشاء و منکرو بغی فرمودند : آنان ، ستمگران به رسول الله صلی الله علیه و آله و اهل بیت ، کشندگان ایشان و کسانی اند که حقوق اهل بیت (علیهم السلام) را (از ایشان) بازداشتند . (1)

آزاردهندگان فاطمه، آزاردهندگان خدا و رسول اند

امام باقر (علیه السلام) فرمودند : . . . سپس حضرت زهرا علیها السلام از ابوبکر و عمر چنین درخواست کردند : شمارا به خداوندی که جز او خدایی نیست ، آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حقّ من نشنیدید که فرمودند : مَنْ آذَی فاطِمَهَ فَقَدْ آذانِی ، وَ مَنْ آذانِی فَقَدْ آذَی اللّه؟ هرکس فاطمه را بیازارد مرا آزرده و هرکس مرا بیازارد ، خدا را آزرده است؟ گفتند : آری شنیدیم . حضرت زهرا علیها السلام فرمودند : گواهی می دهم که شما دو تن ،

1- بحارالأنوار : جلد۲٤ صفحه۱۸۸ باب۵۲ حدیث7 و تأویل الآیات الظّاهره : صفحه۲٦٤ هر دو از کتاب شریف إرشاد القلوب واعظ دیلمی به سند خود از امام محمّد باقر (علیه السلام) .

به یقین مرا آزردید . (1)

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند : حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر و عمر فرمود : آیا از رسول خدا صلی الله علیه و آله نشنیدید که می فرمودند : فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنِّی ، فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذانی ، وَ مَنْ آذانی فَقَدْ آذَی اللّهَ؟ فاطمه پاره ای از (وجود) من است ، پس هرکس اورا بیازارد ، مرا آزرده است و هرکس مرا بیازارد ، خدا را آزرده است؟ گفتند : آری (شنیده ایم) . حضرت فرمود : فَوَ اللّهِ لَقَدْ آذَیْتُمانی پس به خدا سوگند شما دو تن مرا آزردید . (2)

لعنت خدا بر آزار دهندگان خدا و رسول

1- بحارالأنوار : جلد۲۹ صفحه۱۵۷حدیث2 از مصباح الأنوار . و در بحارالأنوار : جلد۲۹ صفحه۱۵۷حدیث4 به نقل از امام صادق از پدران گرامی ایشان (علیهم السلام) مانند آن آمده است .
2- کتاب شریف دلائل الإمامه ، نگاشته محمّد بن جریر طبری شیعی : صفحه۱۳٤ حدیث٤۳به سند متصل و صحیح از امام جعفر صادق (علیه السلام) . همچنین کتاب شریف الدّرّ النّظیم نگاشته ابن حاتم العاملی : صفحه٤۸۳ مانند این دو حدیث را از ابن عبّاس همراه با اضافاتی نقل می کند . رجوع کنید به بحارالأنوار : جلد٤۳ صفحه۱۷۰ حدیث1 و عوالم العلوم : جلد11 صفحه411 و 504 و مأساه الزّهراء علیها السلام ، السّیّد جعفر مرتضی : جلد۲ صفحه٦٥ حدیث32 .

خدای تعالی می فرماید : *إِنَّ الَّذینَ یُؤْذُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذاباً مُهینا(1) همانا کسانی که خدا و پیامبرش را آزار می دهند ، خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برای آنها عذاب خوارکننده ای مهیّا ساخته است* .

وَ الَّذینَ یُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذابٌ أَلیم(2) و آن کسانی که رسول خدا را می آزارند ، عذاب دردناکی برای آنهاست .

اعتراف عمر به جنایات...

1- (۳۳) سوره الأحزاب : آیه۵۸ .
2- (۹) سوره التّوبه : آیه61 .

در کتاب شریف بحارالأنوار : جلد30 صفحه287 باب20 حدیث151 به سند خود از قسمت مفقود شده کتاب شریف دلائل الإمامه به سندش از سعید بن المسیّب نقل می کند که عمر بن الخطّاب علیه اللّعنه و العذاب در نامهٔ خود به معاویه ادخله الله الهاویه چنین نوشت : . . . فخرجت فاطمه فوقفت من وراء الباب ، فقالت : أَیُّهَا الضّالُّونَ الْمُکَذِّبُونَ ! ماذا تَقُولُونَ وَ أَیَّ شَیْ ءٍ تُرِیدُونَ؟ فقلت : یا فاطمه ! فقالت فاطمه : ما تَشاءُ یا عُمَرُ؟ فقلت : ما بال ابن عمّک قد أوردک للجواب و جلس من وراء الحجاب؟ فقالت لی : طُغْیانُکَ یا شَقِیُّ أَخْرَجَنِی وَ أَلْزَمَکَ الْحُجَّهَ ، وَ کُلَّ ضالٍّ غَوِیٍّ . فقلت : دعی عنک الأباطیل و أساطیر النّساء و قولی لعلیٍّ یخرج ، لا حبّ و لا کرامه . فقالت : أَ بِحِزْبِ الشَّیْطانِ تُخَوِّفُنی یا عُمَرُ وَ کانَ حِزْبُ الشَّیْطانِ ضَعِیفاً؟ فقلت : إن لم یخرج جئت بالحطب الجزل و أضرمتها ناراً علی أهل هذا البیت و أحرق من فیه ، أو یقاد علیٌّ إلی البیعه ، و أخذت سوط قنفذٍ فضربت و قلت لخالد بن الولید : أنت و رجالنا هلمّوا فی جمع

الحطب ، فقلت : إنّى مضرمها . فقالت : يا عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّ رَسُولِهِ وَ عَدُوَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ . فضربت فاطمه يديها من الباب تمنعنى من فتحه فرمته فتصعّب علىّ فضربت كفّيها بالسّوط فألّمها ، فسمعت لها زفيراً و بكاءً ، فكدت أن ألين و أنقلب عن الباب فذكرت أحقادعلىٍّ و ولوعه فى دماء صناديد العرب ، و كيد محمّدٍ و سحره ، فركلت الباب و قد ألصقت أحشاءها بالباب تترسه ، و سمعتها و قد صرخت صرخةً حسبتها قد جعلت أعلى المدينه أسفلها ، و قالت : يا أَبَتاهْ يا رَسُولَ اللَّهِ ! هكَذا كانَ يُفْعَلُ بِحَبِيبَتِکَ وَ ابْنَتِکَ ، آهِ يا فِضَّهُ ! إِلَيْکِ فَخُذِينِى فَقَدْ وَ اللَّهِ قُتِلَ ما فِى أَحْشائِى مِنْ حَمْلٍ . و سمعتها تمخض و هى مستندةٌ إلى الجدار ، فدفعت الباب و دخلت فأقبلت إلىّ بوجهٍ أغشى بصرى ، فصفقت صفقةً على خدّيها من ظاهر الخمار فانقطع قرطها و تناثرت إلى الأرض(1) . . . . - . . . پس فاطمه آمد و پشت در

1- برخى ديگر از منابع نامهٔ عمر لعنه الله عليه : كتاب شريف الصّراط المستقيم : جلد۳صفحه۲۵ ، كتاب الأربعين ، ملامحمّدطاهر قمى شيرازى صفحه 565- 566 از كتاب الصّراط المستقيم ، مجمع النّورين ، شيخ أبوالحسن مرندى : صفحه ۱۰۵ ، شاخهٔ طوبى ، ميرزا حسين نورى طبرسى مولّف كتاب شريف مستدرک الوسائل صفحه199 تحت عنوان : صورت عهدنامه كه عمر ابن الخطّاب به معاويه بن ابى سفيان لعنه الله عليهما نوشته بود كه از كتاب شريف بحارالأنوار از دلائل طبرى متن عربى و ترجمه فارسى آن را آورده است .

ایستاد و گفت : ای گمراهان تکذیب کننده ! چه می گویید و چه می خواهید؟ گفتم : ای فاطمه ! گفت : چه می خواهی ای عمر؟ گفتم : چرا پسر عمویت تو را برای پاسخ گویی فرستاده و خود در پس پرده نشسته است؟ در پاسخ به من گفت : ای بدبخت ! سرکشی تو مرا بیرون آورد تا حجّت را بر تو و هر گمراهِ سرکش دیگر ، تمام کند . گفتم : این یاوه ها و افسانه های زنانه را از خود واگزار و به علی بگو بیرون آید که دوستی و احترامی در بین نیست . گفت : آیا مرا از لشکر شیطان می ترسانی ای عمر ، حال آنکه لشکر شیطان ناتوان است؟

گفتم : اگر بیرون نیاید ، هیزم خشک بسیار زیادی می آورم و کسانی را که در خانه هستند ، می سوزانم مگر اینکه علی را برای بیعت بیرون کشیده ، همراه ببریم . و تازیانهٔ قنفذ را گرفتم و زدم . و به خالد بن ولید گفتم : تو و مردان ما ، هیزم جمع کنید . سپس گفتم : من آن را برمی افروزم . فاطمه گفت : ای دشمن خدا و دشمن پیامبرش و دشمن امیرالمؤمنین . سپس فاطمه دست هایش را جلوی خانه گرفته ، نمی گذاشت در را بگشایم . سعی کردم در را بگشایم امّا این کار بر من سخت و دشوار شد . پس با تازیانه به دو دست او زدم که او را به درد آورد . صدای نالهٔ سوزناک و گریهٔ او را شنیدم . نزدیک بود نرم شوم و از در آن خانه بازگردم . در این هنگام کینه هایی که از علی داشتم و آزمندی و حرصی که او بر ریختن خون بزرگان عرب داشت و نیز نیرنگ و جادوگری محمّد را یاد کردم ، پس به در لگد زدم در حالی که فاطمه

شکم خود را به در چسبانده بود و از آن نگهبانی می کرد . و از او شنیدم که فریادی برآورد که گمان کردم مدینه زیر و رو شد و گفت : ای پدرجان ، ای رسول خدا ! با حبیبه و دختر تو این چنین رفتار می شود . آه ای فضّه ! مرا دریاب که به خدا سوگند طفلی که در شکم من بود کشته شد . و صدای نالهٔ او را به خاطر درد زایمان ، شنیدم در حالی که به دیوار تکیه داده بود . پس در را فشار داده و داخل شدم . به من رو آورد طوری که بینایی مرا پوشاند (جلوی دید مرا گرفت) . بدین جهت از روی مقنعه ، طوری بر گونه هایش سیلی زدم که گوشواره اش گسیخت ، (قطعه قطعه شده و) بر روی زمین پراکنده شد . . . .

نفرین حضرت فاطمه علیها السلام

حضرت فاطمه سلام الله علیها خطاب به ابوبکر لعنه الله

فرمودند : فَإِنِّی أُشْهِدُ اللَّهَ وَ مَلائِکَتَهُ أَنَّکُما أَسْخَطْتُمانِی وَ ما أَرْضَیْتُمانِی وَ لَئِنْ لَقِیتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله لَأَشْکُوَنَّکُما إِلَیْهِ وَاللّٰهِ لَأَدْعُوَنَّ

اللَّهَ عَلَیْکَ فِی کُلِّ صَلاهٍ أُصَلِّیها

پس همانا خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم ! به درستی که شما مراخشمگین کرده و خشنود ننمودید و چون پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاقات کنم حتماً شکایت شما را نزد او خواهم برد . . . به خدا سوگند ! در هرنماز که به پا می دارم ، تو را نفرین می کنم . (1)

1- مدارک فرمایش حضرت فاطمه علیها السلام از کتاب های شیعیان : الشّافی فی الإمامه ، الشّریف المرتضی : جلد٤ صفحه٨٥ ، تلخیص الشّافی ، الشّیخ الطّوسی : جلد٣ صفحه١٥٢ ، الصّراط المستقیم ، البیاضی : جلد٢ صفحه٢٩٣ ، مناقب أهل البیت علیهم السلام ، المولی حیدر الشیروانی : صفحه٤٠٢ ، بحارالأنوار : جلد٢٨ صفحه٣٥٧ و جلد٢٩ صفحه ٣٢٨ ح1 و صفحه ٣٧٦ ، أعیان الشّیعه : جلد١ صفحه ٣١٨ الغدیر : جلد٧ صفحات ٢٢٩-٢٣٠ ، مأساه الزّهراء علیها السلام ، السّیّد جعفر مرتضی : جلد١ صفحه ٢٥٥ ، الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام ، عبدالزّهراء مهدی : صفحه ١٣٩ ، موسوعه شهاده المعصومین علیهم السلام : جلد١صفحه ١٧٩ حدیث 289-55 ، النّصّ علی أمیرالمؤمنین (علیه السلام) ، السید علی عاشور : صفحه٢٥٠ . و از کتاب های پیروان اصحاب سقیفه ملعونه : السّقیفه وفدک ، الجوهری : صفحه١٠٤ ، الإمامه والسّیاسه ، ابن قتیبه الدینوری : جلد1 صفحه13 چاپ الفتوح الأدبیه - مصر سال 1344ه- ، و جلد1 صفحه18-19 تحقیق دکتر طه الزینی چاپ الحلبی -القاهره سال 1378ه- ، أنساب الأشراف ، البلاذری : جلد10 صفحه79 چاپ دارالفکر ، الرّسائل السّیاسیّه ، الجاحظ : صفحه 467 چاپ مکتبه دارالهلال ، شرح نهج البلاغه ، ابن أبی الحدید : جلد16 صفحه214 نامهٔ45 به عثمان بن الأحنف ، أعلام النّساء ، عمر رضا کحاله : جلد٣ صفحه١٢١٤ .

بخش دوم: وجوه اعتبار دعای صنمی قریش

اشاره

دربارهٔ اعتبار این دعای شریف و عظیم الشّأن ، دلایل محکم بسیاری وجود دارد که برخی از آنها آورده می شود .

متن این دعای شریف ، نه تنها با قرآن و سنّت مسلّمه ، هیچ تعارضی ندارد ، بلکه شواهد بسیاری نیز در آن دو دارد که در کتاب «رشح الولاء» از آن ها یاد شده است .

عبارت های دعا بر حقایق قرآنی و تاریخی مستند دلالت دارد و کسی را دلیل بر انکار آن ها نیست .

متن این دعای شریف بر سیاق دعاهای مسلّم الصدور از خاندان عصمت و طهارت است و کسی که از دریای معارف آنان چشیده است اختلافی در آن نمی یابد .

همچنین گذشته از اینکه حتّی یک نفر از علما و محدّثین ، بر سند و متن این دعا خدشه ای وارد نکرده اند ، متن آن ، مورد قبول علما و محدّثین بوده است و فقرات آن را در موارد

بسیاری نقل کرده اند . این دعا ، مورد پذیرش بزرگانی هم چون فیض کاشانی ، مجلسی اوّل و دوّم ، صاحب مستدرک الوسائل و شیخ مرتضی انصاری و . . . دیگر علمای شیعه می باشد .

منابع دعای شریف صنمی قریش

کهن ترین منبع معتبری که تا کنون برای این دعای شریف شناخته شده ، کتاب «رشح الولاء فی شرح الدّعاء»می باشد .

مولّف کتاب «رشح الولاء فی شرح الدّعاء»

شیخ ابوالسّعادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد الاصفهانی ملقّب ب - «سفرویه یا شفرویه» متوفی سال640 قمری هستند . ایشان دو شرح بر این دعای شریف نوشته اند که بحمدالله در سال های اخیر همراه با شرح و تحقیق شیخ قیس العطّار به چاپ رسیده و دو شرح شیخ اسعد و شرح الشّرحین شیخ قیس ، همگی بالغ بر ۷۱۲ صفحه در قطع وزیری است .

جناب شیخ أسعد از شیوخ اجازات و استاد سیّد جلیل

علیّ بن طاووس بوده است و سیّد از ایشان اجازهٔ نقل حدیث داشته و از او با عنوان «شیخ فاضل و حافظ» یاد می کند . صاحب وسائل الشّیعه نیز از ایشان با تعبیر«عالم و فاضل و محقّق» یاد نموده است . صاحب الذّریعه می نویسد : وی از جلیل ترین های استادان سیّد ابن طاووس بوده است . مجلسی اوّل و دوم ، شیخ کفعمی و سایرین ، از او به علم و تحقیق یاد نموده اند و کسی وی را قدح نکرده است .

علما و محدّثین شیعه ، از کتاب های ایشان روایاتی را نقل کرده اند و سیّد بن طاووس ، تمامی کتاب های حدیث و فقه و سایر علوم اسلامی را از طریق وی نقل می نماید .

اعتبار و فضیلت دعای شریف صنمی قریش

جناب شیخ ابو السّعادات در صفحه ۵۸ مقدّمهٔ شرح خود می نویسد : إعلم أنّ هذا الدّعاء من غوامض الأسرار و کرائم الأوراد لأمیرالمؤمنین علیّ (علیه السلام) ، یواظب علیه فی لیله و نهاره و فی أوقات أسحاره خلال أدعیه أوتاره .

و قد روی أنّ أمیرالمؤمنین علیّاً صلوات الله علیه دخل المسجد ذات لیله ، فظنّ أنّ المسجد خالٍ لیس فیه أحد و شرع فی صلاه اللّیل و جهر فی قراءه القرآن و ما کان له من الأوراد حتّی وصل الوتر . فلمّا ابتدأ بقراءه دعاء القنوت و فرغ ، قرأ هذا الدّعاء بصوت عال ، ظنّا بخلوّ المسجد و غیبه النّاس عنه . فلمّا فرغ من صلاته و دعائه ، جلس ، فأحسّ بحضور إنسان ، فقال : هَلْ فِی الْمَسْجِدِ أَحَدٌ؟ فأجابه عبدالله بن العبّاس رحمهما الله ، فقال : نعم ، یا أمیرالمؤمنین مملوکک .

فقال : هَلْ مَعَکَ غَیْرُکَ؟ فقال : لا ، لیس معنا ثالث . فقال : وَ هَلْ سَمِعْتَ دُعاءَ الْوَتْرِ وَ ما دَعَوْتُ بِهِ؟ فقال : نعم . فقال : هَلْ حَفِظْتَهُ؟ فقال : نعم ، حفظته یا أمیرالمؤمنین . فقال : فَاحْفَظْهُ فَإِنَّهُ مِنْ غَوامِضِ الْأَسْرارِ ، وَ لا یَطَّلِعَ عَلَیْهِ أَحَدٌ اِلّا عِتْرَتی وَ اَهْلَ بَیْتی . اَمّا عَهْدی مَعَکَ اَنْ لا تُظْهِرُ لِاَحَدٍ غَیْرَ اَهْلٍ ، وَ کُنْ بِهِ ضَنیناً . مَنْ دَعا بِهِ مِنْ خالِصِ اِعْتِقادِهِ ، وَ صَفاءِ نِیَّتِهِ ، وَ صِدْقِ طَوِیَّتِهِ قَضَی اللَّهُ لَهُ حاجاتَهُ بِفَضْلِهِ وَ بَرَکاتِهِ .

و الدعاء هذا : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . .

توجّه کنید که امیرالمؤمنین در شب و روز و هنگام سحرگاه ،

در دعاهای وتر خود ، بر خواندن این دعا مواظبت می نموده و بهابن عبّاس فرمودند : این دعا ازغوامض اسرار و کرائم اوراد است و جز اهل بیت و عترت علیهم السلام از آن آگاهی ندارند و عهد من با تو آن است که آن را جز نزد کسانی که اهلیّت آن را دارند (شیعیان حافظ اسرار) ، فاش نکرده و از انجام این کار خودداری کنی . هرکس با باور پاک و صفای نیّت و راستی اش این دعا را بخواند ، خداوند به فضل و برکت هایش ، خود حاجت های او را برایش روا کند .

اضافه بر محدّثین از علمای شیعه که اعتبار این دعای شریف نزد آنان از مسلّمات است ، فقهای شیعه نیز آن را اخذ به قبول نموده اند . از میان آنان شیخ انصاری صاحب کتاب فرائد الأصول و المکاسب است که کتاب ها و نظرات ایشان هنوز از کتاب های درسی رایج در حوزه های علمیّه است . ایشان در کتاب الصّلاه : جلد1 صفحه415 می نویسد : مضافاً إلی ورود بعض الأدعیه المشتمله علی هذه الکلمه کدعاء صنمی قریش

الذی کان یقنت به أمیرالمؤمنین (علیه السلام) - اضافه بر آنکه برخی از دعاهای وارد شده شامل این کلمه است ، مانند دعای صنمی قریشی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) پیوسته بدان قنوت می فرمودند .

صحیح بودن روایات (سندهای) دعای شریف صنمی قریش

شیخ اسعد می نویسد : لا شکّ بصحّه الرّوایات عن الرّواه الثّقات أنّ هذا الدّعاء من أوراد أمیرالمؤمنین ، و امام المتّقین ، و وصیّ رسول ربّ العالمین ، و اولاده المنتجبین ، الأئمّه المعصومین ، علیهم کرائم الصّلوات ، و شرائف التّحیّات ، و هم علی قرائته مواظبون ، و علی تلاوته مداومون ، أوقات الأسحار ، فی أوراد الأوتار- بر صحیح بودن روایاتی (دقّت کنید که می نویسد : روایات) که از راویان ثقه و مورد اعتماد نقل شده تردیدی وجود ندارد ، مبنی بر اینکه این دعا از اوراد امیرمؤمنان و پیشوای پرهیزکاران و جانشین فرستاده ی خدای جهانیان و فرزندان برگزیدهٔ او ، امامان معصوم - که گرامی ترین صلوات و شریف ترین درودها بر آنان باد - می باشد و ایشان بر

خواندن آن مواظبت می نمودند و بر تلاوت آن در هنگام سحرگاه ، در ضمن دعاهای وتر و نماز شب خود ، مداومت می کردند (سپس شرح را آغاز کرده است) .

ایشان تصریح دارد که این دعای شریف ، دارای روایات و سندهایی چند از جانب افراد مورد اطمینان است . کمترین جمع در عربی ، عدد سه می باشد که ایشان علاوه بر تأکید بر صحّت آنها ، اعلام می کند که در صحّت سند آن روایات ها ، جای هیچ تردیدی نیست .

شرح های دعای شریف صنمی قریش

در صفحهٔ نهم از قسمت مقدّمه محقّق کتاب رشح الولاء ، عنوان شرح های شناخته شدهٔ دعای شریف صنمی قریش را که از قرن هفتم شروع شده اند ، با ذکر مآخذ (الذّریعه و . . .) همراه با توضیح کامل ، ۹ شرح یاد کرده که عبارتند از :

۱- دو شرح مبسوط و مختصر به نام رشح الولاء فی شرح الدّعاء ، نگارش شیخ أبو السّعادات أسعد بن عبدالقاهر می باشد

که کهن ترین شرحی است که به دست ما رسیده است .

۲- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا علی عراقی که آن را در سال۸۷۸ قمری نگاشته است .

۳- کتاب «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش ملا عیسی خان اردبیلی که شرحی نیکو فایده بوده و آن را در سرزمین هند نگاشته است .

٤- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش یوسف بن حسین بن محمّد نصیر طوسی اندرودی .

۵-«ذخر العالمین فی شرح دعاء الصّنمین» نگارش ملا محمّد مهدی بن مولی علی اصغر بن محمّد یوسف قزوینی ، که به زبان فارسی نگاشته شده و در سال ۱۱۱٦ قمری نگارش آن پایان یافته است .

٦- «شرح دعاء صنمی قریش» که شرحی به زبان فارسی و در غایت گستردگی بوده و نزد محدّث میرزا عبدالرّزّاق همدانی

یافت شده است .

۷- «نسیم العیش فی شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میر سیّد علیّ بن مرتضی طبیب موسوی دزفولی که نگارش آن را در ماه محرّم سال۱۱٦٦ قمری به پایان رسانده است .

۸- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارش میرزا محمّدعلی مدرّس چهاردهی نجفی .

۹- «ضیاء الخافقین فی شرح دعاء الصّنمین» که ترجمه گونهٔ رشح الولاء است .

ما نیز به آن اضافه می کنیم :

۱۰- «شرح دعاء صنمی قریش» نگارشملا حبیب الله شریف کاشانی متوفی سال ۱۳٤۰قمری . به علاوه محدّثینی چون مجلسی اوّل در شرح من لا یحضره الفقیه عربی و فارسی ، مجلسی دوّم در بحارالأنوار و . . . و سایر محدّثین از علما ، فقراتی از این دعای عظیم الشّأن را

شرح نموده اند .

برخی دیگر از منابع در دسترس دعای شریف صنمی قریش

۱- کتاب فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و مناقب اولاد بتول علیهم السلام نگارش عمادالدّین حسن بن علی طبری و تصحیح رسول جعفریان است . ایشان از علمای قرن هفتم و از معاصرین خواجه نصیر الدّین طوسی و علامه حلّی بوده است . وی در جلد۲ صفحه۱۷٦ گوید : . . . و اگر این راست بودی ، علی روایت ابن عبّاس امیرالمؤمنین علیّ (علیه السلام) دعای : اللّهمّ العن صنمی قریش نخواندی و ائمّه از ایشان تظلّم نزدندی جهاراً و عیاناً .

۲- کتاب «دقائق التّأویل و حقائق التّنزیل» به زبان فارسی ، نگاشته حسنی ابوالمکارم محمود بن محمّد از علمای قرن هفتم می باشد . ایشان در صفحه68 گوید : «جبت» و «طاغوت» اشارتست به أکابر اهل باطل از منافقان صحابه ، چنانک امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دعا فرموده است : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ

قُرَیْشٍ وَ جِبْتَیْها . . . و دعا را شرح کرده اند .

۳- «المحتضر»نوشته شیخ حسن بن سلیمان حلّی از علمای قرن هشتم و از شاگردان فقیه شیعه شهید اوّل است . وی در صفحه۷۱ حدیث ۹۳می نویسد : و قد روی أن أمیر المؤمنین (علیه السلام) قنت فی صلاته بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَجِبْتَیْها وَ . . . - و به تحقیق روایت شده است که امیر المؤمنین (علیه السلام) در قنوت خود این دعا را خوانده اند .

هم چنین در صفحه ۱۱۱ حدیث ۱۳۹ می نویسد : و ممّا یدلّ علی ما قلناه من أنّهما کانا منافقین غیر مؤمنین ما سمع من قنوت مولانا أمیر المؤمنین (علیه السلام) و هو هذا : اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ] الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . - و از جمله چیزهایی که دلالت می کند بر آنچه گفتیم -مبنی بر اینکه آن دو (ابوبکر و عمر علیهما اللّعنه) منافق بوده و مؤمن نبودند - آن است که از قنوت نماز مولانا امیرالمؤمنین (علیه السلام) شنیده شد که فرمود : اللَّهُمَّ [صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ] الْعَنْ صَنَمَیْ

قُرَيْشٍ وَ . . . .

٤و٥- کتاب «المصباح (جنّه الأمان الواقيه) »و کتاب «البلد الأمين» نگارش شيخ ابراهيم بن علىّ عاملى کفعمى متوفى سال 905 قمرى . ايشان در صفحه ٥٥٢ از کتاب المصباح مى نويسد : ثمّ ادع بهذا الدّعاء المروىّ عن علىّ (عليه السلام) : سپس دعا کن به اين دعا که از حضرت على (عليه السلام) روايت شده است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنْ صَنَمَىْ قُرَيْشٍ وَ . . . .

٦- کتاب شريف «روضهالمتّقين فى شرح من لايحضره الفقيه » نگارش ملامحمّد تقى مجلسى اوّل متوفى سال١٠٧٠ هجرى در جلد٥ صفحه ٢٤٢ مى نويسد : کما کنّى عن العمرين فى دعاء صنمى قريش بالجبتين و الطاغوتين ، بل الظاهر و الشائع من الأخبار عن الأئمّه الأطهار سلام اللّه عليهم أنّ کلّما ورد فى الآيات من الجبت و الطاغوت و غيرهما فهم المراد منها و إن شئت التفصيل فلاحظ الکافى ، و بصائر الدرجات ، و المحاسن ، و غيرها بل الظاهر من الأخبار أنّه لا تحصل الولايه إلّا بالبراءه منهم و من أتباعهم ، و لهذا لم يرد دعاء يذکر فيه

الولایه إلّا و هی متَّبعه بالبراءه فتدبّر -چنان که به کنیه از دو عمر (ابوبکر و عمر) در دعای صنمی قریش ، دو جبت و دو طاغوت یاد شده است ، بلکه از اخباری که از امامان اطهار- که درود خدا بر آنان باد - آشکار و مشهور است ، این است که آنچه در آیات قرآن ، سخن از جبت و طاغوت و غیر اینها شده ، مقصود آنان هستند و اگر تفصیل بیشتر خواستی ، کتاب های الکافی و بصائر الدّرجات و المحاسن و غیر آن ها را ملاحظه نما . بلکه از احادیث آشکار است که ولایت ، جز به بیزاری جستن از آن ها (ابوبکر و عمر و . . .) و پیروان آن هاحاصل نمی شود و به همین جهت است که دعایی وارد نشده مگر اینکه به دنبال آن برائت نیز آمده است ، بنابراین تدبّر نما .

۷- وی در کتاب شریف «لوامع صاحبقرانی» در شرح فارسی کتاب من لایحضره الفقیه جلد٦ صفحه٢٣٨ می نویسد : و در دعای صنمی قریش نیز حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه اشاره فرمود که : وَ دَبابٍ دَحْرَجُوها . . . .

در جلد٨ صفحه٥٩٠ گوید : و تسمیه ایشان به جبت و طاغوت ابتدا از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه شد

در دعای صنمی قریش که آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غیر آن می خواندند ، و چون لفظ لات و عزّی مؤنّث است کنایه از آن دو ملعونه (عائشه و حفصه) است که نماز کسی تمام نشود تا در تعقیب آن نماز چهار مرد و چهار زن را لعنت نکند و آن : فلان (ابوبکر) و فلان (عمر) و فلان (عثمان) و معاویه است ، و فلانه (عایشه) و فلانه (حفصه) و امّ الحکم خواهر معاویه و هند مادر آن ملعون است .

۸- کتاب شریف «الوافی» نگارش ملا محمّد محسن فیض کاشانی متوفی سال۱۰۹۱ قمری است . وی در جلد۲ صفحه۲۱۷ می نویسد : . . . أراد بالصنمین الأوّلین کما فی دعاء

صنمی قریش . . . - (امام محمّدباقر (علیه السلام)) با فرمایش خود از صَنَمَین (دوبت) ، دو اوّلی (ابوبکر و عمر) را اراده نموده چنان که در دعای صنمی قریش است . . . .

۹- کتاب «علم الیقین فی اصول الدّین»نگارشملامحسن فیض کاشانی . او در جلد۳صفحه۸۳۰ فصل۷ (تظلّم مولانا أمیرالمؤمنین (علیه السلام) . . .) می نویسد : و لیعلم أنّ تظلّم مولاناأمیرالمؤمنین (علیه السلام) ممّن تقدّم ، علیه کثیر فی کلامه و خطبه و دعواته ، و سنذکر شیئا من ذلک : فمنه ما رواه الکفعمی عن ابن عبّاس ، عن علیّ (علیه السلام) : أنّه کان یقنت بهذا الدعاء فی صلاته و قال : إنّ الدّاعی به کالرّامی مع النّبی صلی الله علیه و آله فی بدر و احد و حنین بألف ألف سهم و هو : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . -و باید دانست که به یقین مولای ما امیرمؤمنان (علیه السلام) از پیشینیان خود (ابوبکر و عمر و عثمان) در سخنان ، خطبه ها و دعاهای خود ، تظلّم می فرمود و به زودی برخی از آن را ذکر می کنیم : از جمله متنی است که

کفعمی آن را از ابن عبّاس از حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است که حضرت در نماز به آن قنوت می کردند و فرموده اند : همانا (ثواب) کسی که این دعا را بخواند مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد و حنین ، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب کرده باشد ، و آن دعا این است : اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . .

۱۰- کتاب «قرّه العیون» تألیف ملا محسن فیض کاشانی نشر دار الکتاب الإسلامی است . وی در صفحه٤١٧ می نویسد : کلمه فیها اشاره الی ارتداد أکثر هذه الأمّه بعد نبیّها و السبب فی ذلک . . . و قد أشار أمیر المؤمنین (علیه السلام) إلی بعض منکراتهم فی دعاء صنمی قریش -سخنی در اشاره به ارتداد بیشتر این امّت و سبب آن . . . همانا امیرمؤمنان در دعای صنمی قریش به برخی از آن هااشاره نموده است .

۱۱- کتاب «نوادر الأخبار» نوشتهٔملا محسن فیض کاشانی نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران . او در

صفحه۱۸٤ می نویسد : باب إظهار مخالفتهم بعد وفاه النّبی صلّی اللّه علیه و آله و ارتدادهم جهراً . . . و قد أشار أمیرالمؤمنین (علیه السلام) إلی بعضها فی دعاء صنمی قریش -باب آشکار نمودن مخالفتشان با ولایت پس از وفات پیامبر صلّی الله علیه و آلهو ارتداد آشکار آنان . . . و به تحقیق امیرمؤمنان (علیه السلام) در دعای صنمی قریشبه برخی از آن ها اشاره نموده است .

۱۲- مرحوم علّامه ملا محمّدباقر مجلسی دوّم متوفّی سال۱۱۱۱ قمری . ایشان در دائره المعارف عظیم شیعه بحارالأنوار جلد30 صفحه393 حدیث166و۱٦۷ می گوید : ودعاء صنمی قریش مشهور بین الشّیعه ، ورواه الکفعمی عن ابن عبّاس ، أنّ أمیرالمؤمنین (علیه السلام) کان یقنت به فی صلاته -و دعای صنمی قریش که در میان شیعیان مشهور است و کفعمی آن را از ابن عبّاس چنین نقل کرده کهامیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن دعا قنوت می کردند . سپس دعا را

آورده است .

و در جلد31صفحه631حديث133 می نويسد : سلف دعاء صنمی قريش الذی هو دعاء رفيع الشّأن ، عظيم المنزله ، رواه عبداللّه ابن عبّاس عن علیّ (عليه السلام) أنّه كان يقنت به ، وقال : اِنَّ الدّاعِیَ بِهِ كَالرّامِی مَعَ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فِی بَدْرٍ وَ أُحُدٍ وَ حُنَیْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ -دعای صنمی قريش گذشت - كه دعايی بلند مرتبه و عظيم المنزله است - كه عبدالله ابن عبّاس از حضرت علی (عليه السلام) آن را روايت كرده و اين كه حضرت پيوسته به آن قنوت می كرده و فرموده اند : همانا (ثواب) دعاكننده به اين دعا چون كسی است كه در ركاب پيامبر صلی الله عليه و آله در جنگ بدر و احد و حنين هزار هزار تير (به سوی كافران) پرتاب نموده باشد .

۱۳- «ترجمه فرحه الغری» علّامه ملّا محمّد باقر مجلسی دوّم در صفحه103ب6 گويد : و تسميه به جبت و طاغوت ابتداء از حضرت اميرالمؤمنين (عليه السلام) شد در دعای صنمی قريش كه آن حضرت در قنوت و سجده نماز شب و غير آن

می خواندند . (نام گذاری ابوبکر و عمر به «جبت» و «طاغوت» نخست از جانب امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آن هم در دعای صنمی قریش - که در قنوت و سجده نماز و . . . می خوانده اند - صورت گرفت) .

۱٤- کتاب «نورالبراهین» نگاشته سیّد جلیل نعمهالله جزائری متوفی سال ۱۱۱۲هجری نشر اسلامی قم است . ایشان در جلد۲صفحه۳٤٤ چنین مرقوم فرموده است : هم أصنام قریش ، کما یظهر من دعائه علیه السلام فی دعاء صنمی قریش واللّعن علیهما - آنان (ابوبکر و عمر) بت های قریش اند ، چنان که از دعای حضرت علی (علیه السلام) در دعای صنمی قریش و لعنت نمودن آن دو آشکار می شود .

۱۵- کتاب شهاب ثاقب تألیف ملا مهدی نراقی متوفی سال1244 هجری ، نشر کنگره بزرگداشت محقّقان نراقی در سال 1380 خورشیدی است . وی در صفحه۲۹ می نویسد : و در دعای صنمی قریش که به حدّ یقین رسیده است که از کلام

معجز نظام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و عدول مشایخ شیعه به طرق معتبره ، این دعا را از آن حضرت روایت کرده اند اشاره به این معنی شد و در آن دعا حضرت ابتدا فرموده که «اللّٰهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ جِبْتَیْها وَ طاغُوتَیْها . . . » یعنی : بار خدایا لعن کن بر دو صنم قریش و بر دو جبت و دو طاغوت قریش . بعد از آن به ازای عمل بدی که ایشان کرده اند ، لعنی بر ایشان کرده است و آن اعمال را به تفصیل اسم برده از غصب خلافت و منع ارث ، و منبر پیغمبر صلی الله علیه و آله را خالی کردن از وصیّ او و غیر ذلک از اعمال قبیحه ایشان تا آن که ایشان را لعن کرده به سبب بالا رفتن ایشان بر عقبه و انداختن دبّاب بر پیش پای پیغمبر صلی الله علیه و آله ، و اکثر فقرات آن دعا نصّ صریح است که مراد از صنمی قریش اول و ثانی اند و هر که ملاحظه فقرات آن رابکند می داند که حضرت امیر (علیه السلام) از ایشان چه در دل داشته (است) .

۱٦- کتاب شریف«مستدرک الوسائل»نوشته میرزا حسین نوری طبرسی متوفی سال۱۳۲۰ هجری چاپ موسّسه آل البیت علیهم السلام است . وی درجلد 4 صفحه 405 حدیث 50 21/8 از کتاب «البلدالأمین» و «جنّهالأمان» کفعمی از حضرت علی (علیه السلام) نقل نموده که حضرت به آن قنوت می کردند و فرموده اند : اِنَّ الدّاعِیَ بِهِ کَالرّامِی مَعَ النَّبِیِّ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ فی بَدْرٍ وَ أُحُدٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ - برای دعا کننده به این دعا (ثواب) کسی است که در رکاب پیامبر صلّی الله علیه و آله در جنگ بدر و احد ، هزار هزار تیر (به سوی کافران) پرتاب نموده باشد .

۱۷- و میرزا حبیب الله خویی متوفی سال ۱۳۲٤ قمری در جلد14صفحه397 «منهاج البراعه» در شرح بر نهج البلاغه می نویسد : . . . دعاؤه المعروف بدعاء صنمی قریش الّذی کان یواظب علیه فی قنوته و سایر أوقاته ، و قد رواه غیر واحد من أصحابنا قدّس اللّه أرواحهم فی مؤلّفاتهم ، و أحببت

نقله هنا لكونه أنقض لظهر النّاصبين ، و أرغم أنف المعاندين ، و أبطل لزعم من توهّم ثناء أميرالمؤمنين لهذين الذين لا حريجه لهما فى الدّين - . . . دعای حضرت علی (علیه السلام) که معروف است به «دعای صنمی قریش» که در قنوت و سایر اوقات شان ، به خواندن آن مواظبت می نمودند . و نه یک تن (شمار بسیاری) از اصحاب ما (شیعیان) قدّس الله ارواحهم در نوشته های خود آن را روایت نموده اند و من نیز دوست داشتم آن را در اینجا نقل نمایم زیرا آن بر ناصبیان کمرشکن تر ، و بر ساییدن بینی دشمنان کاری تراست و برای ادّعای کسانی که توهّم می کنند امیرالمؤمنین (علیه السلام) این دو تن را (عمر و ابوبکر) - که جایگاهی در دین ندارند - ثنا گفته است ، باطل کننده تر است .

۱۸- کتاب «التّعلیقه علی المکاسب» نگاشته سیّد مجاهد عبدالحسین لاری متوفی سال ۱۳٤۲ هجری چاپ مؤسسه المعارف الإسلامیه - قم است . وی در جلد۱صفحه۲۳۲

می نویسد : بل كان علیّ علیه السّلام يقنت بلعن صنمی قريش فی كلّ غداه - بلكه حضرت علی (علیه السلام) در هر صبح گاه به دعای صنمی قریش قنوت می فرمود .

۱۹- کتاب گران سنگ دائره المعارف فقه مأثور اهل بیت اطهار علیهم السلام «جامع أحاديث الشّيعه» كه به دستور و إشراف آیهالله بروجردی رحمه الله علیه گردآوری شده است ، این دعای شریف را در جلد 5 صفحه312 حدیث 3256 (14) از مستدرک الوسائل آورده است .

۲۰- آیهالله مرعشی نجفی رحمه الله علیه در گنجینهٔ ارزشمند «شرح إحقاق الحق» جلد 1 صفحه 337 می نویسند : . . . كما أشار إليه مولانا أميرالمؤمنين علیّ (علیه السلام) ، فی دعاء صنمی قريش ، بقوله : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . - چنان که مولای ما امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دعای صنمی قریش به این موضوع اشاره نموده است به فرمایش خود : اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ وَ . . . .

علاوه بر تمام اینها ، دعاهایی وجود دارند که در مضمون و

الفاظ با دعای شریف صنمی قریش شباهت بسیاری دارند . از جمله دعای ارزشمندی است که سیّد جلیل ابن طاووس در کتاب شریف مهج الدّعوات از کتاب جامعی قدیمی تألیف محمّد بن محمّد بن عبدالله بن فاطر به سند متّصل خود از شیخ صدوق و او به سند متّصل خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می کندکه فرمود : مِنْ حَقِّنا عَلَی أَوْلِیائِنا وَ أَشْیاعِنا أَنْ لایَنْصَرِفَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ مِنْ صَلاتِهِ حَتَّی یَدْعُوَ بِهذَا الدُّعاءِ وَ هُوَ - از جمله حقوق ما (اهل بیت) بر دوستان و شیعیانمان این است که از نماز خود فارغ نشوند جز آنکه این دعا را بخوانند :

دعای امام صادق علیه السّلام در تعقیب نماز

اللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّکَ الْعَظیمِ الْعَظیمِ ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ ، وَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَیْهِمْ صَلاةً تامَّةً دائِمَةً ، وَ اَنْ تُدْخِلَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ مُحِبّیهِمْ ، وَ اَوْلِیائِهِمْ ، حَیْثُ کانُوا ، وَ اَیْنَ کانُوا ، فی سَهْلٍ ، اَوْ جَبَلٍ ، اَوْ بَرٍّ ، اَوْ بَحْرٍ ، مِنْ بَرَکَهِ دُعائی ، ما تُقِرُّ بِهِ عُیُونَهُمْ .

خدایا ! از تو می خواهم به حقّ تو که بزرگ است بزرگ ، که بر محمّد و خاندان پاک او درود فرستی ، و بر آنان درودی جاودان بفرستی و اینکه از برکت دعای من بر محمّد و آ ل محمّد و دوست داران و پیروان ایشان ، هر کجا که باشند ، در همواری یا کوهستان یا بیابان یا دریا ، چیزی را داخل کنی که چشمان ایشان به سبب آن روشن شود .

اِحْفَظْ یا مَوْلایَ الْغائِبینَ مِنْهُمْ ، وَ ارْدُدْهُمْ اِلی اَهالیهِمْ سالِمینَ ، وَ نَفِّسْ عَنِ الْمَهْمُومینَ ، وَ فَرِّجْ عَنِ الْمَكْرُوبینَ ، وَ اكْسُ الْعارینَ ، وَ اَشْبِعِ الْجائِعینَ ، وَ اَرْوِ الظّامِئینَ ، وَ اقْضِ دَیْنَ الْغارِمینَ ، وَ زَوِّجِ الْعازِبینَ ، وَ اشْفِ مَرْضَی الْمُسْلِمینَ ، وَ اَدْخِلْ عَلَی الْاَمْواتِ ما تَقَرُّ بِهِ عُیُونُهُمْ ، وَ انْصُرِ الْمَظْلُومینَ مِنْ اَوْلیاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ ، وَ اَطْفِئْ نائِرَةَ الْمُخالِفینَ .

ای مولای من ! غایبان ایشان را نگهبانی کن و آنان را سلامت به خانواده هایشان بازگردان . و (غم را) از غمگینان و (اندوه را) از اندوهناکان زایل کن . برهنه ها را بپوشان و گرسنه ها را سیر گردان و تشنگان را سیراب فرما و قرض قرض داران را ادا کن و عزبان را کدخدا کن و بیماران مسلمانان را شفا ده و بر مردگان آن چیزی را وارد گردان که به سبب آن دیدگان ایشان روشن شود و ستم دیدگان از پیروان آ ل محمّد علیهم السّلام را یاری کن و آتش (دشمنی) مخالفین را خاموش فرما .

اللّهُمَّ وَ ضاعِفْ لَعْنَتَکَ ، وَ بَأْسَکَ ، وَ نَکالَکَ ، وَ عَذابَکَ ، عَلَى اللَّذَيْنِ كَفَرا نِعْمَتَکَ ، وَ خَوَّنا رَسُولَکَ ، وَ اتَّهَما نَبِيَّکَ ، وَ بايَناهُ ، وَ حَلّا عَقْدَهُ فى وَصِيِّهِ ، وَ نَبَذا عَهْدَهُ فى خَليفَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ ، وَ ادَّعَيا مَقامَهُ ، وَ غَيَّرا اَحْكامَهُ ، وَ بَدَّلا سُنَّتَهُ ، وَ قَلَّبا دينَهُ ، وَ صَغَّرا قَدْرَ حُجَجِکَ ، وَ بَدَءا بِظُلْمِهِمْ ، وَ طَرَّقا طَريقَ الْغَدْرِ عَلَيْهِمْ ، وَ الْخِلافِ عَنْ اَمْرِهِمْ ، وَ الْقَتْلِ لَهُمْ ، وَ اِرْهاجِ الْحُرُوبِ عَلَيْهِمْ ، وَ مَنْعِ خَليفَتِکَ مِنْ سَدِّ الثَّلْمِ ، وَ تَقْويمِ الْعِوَجِ ، وَ تَثْقيفِ الْاَوَدِ ، وَ اِمْضاءِ الْاَحْكامِ ، وَ اِظْهارِ دينِ الْاِسْلامِ ، وَ اِقامَهِ حُدُودِ الْقُرْآنِ .

خداوندا ! لعنت ، شکنجه و عذابت را برای آن دو نفر دوچندان کن که نعمت تو را انکار و به پیامبرت خیانت کرده و تهمت زدند و او را دور و پیمان بسته شده ٔ او درباره ٔ وصیّ اش را شکستند و پس از او پیمانش را درباره ٔ جانشینش گسسته و جایگاه او را (برای خود) ادّعا نمودند . احکام و سنّت او را تغییر ، دین او را واژگون و ارزش حجّت های تو راکوچک شمردند و آغازگر ستم به ایشان بودند و رهسپار مسیر نیرنگ بر ایشان شدند ، مخالفت با دستور ایشان ، کشتنشان و آتش افروزی جنگ ها علیه ایشان و بازداشتن جانشین تو از اینکه شکاف های دین را ببندد و کژی ها را راست کرده و ناهماهنگی ها را هموار و احکام را جاری و دین اسلام را آشکار سازد و حدهای قرآن را بر پا دارد .

اللّهُمَّ الْعَنْهُما ، وَ ابْنَتَيْهِما ، وَ کُلَّ مَنْ مالَ مَيْلَهُمْ ، وَ حَذا حَذْوَهُمْ ، وَ سَلَکَ طَريقَتَهُمْ ، وَ تَصَدَّرَ بِبِدْعَتِهِمْ ، لَعْناً لا يَخْطُرُ عَلى بالٍ ، وَ يَسْتَعيذُ مِنْهُ اَهْلُ النّارِ .

خدايا ! آن دو نفر و دو دختر آنان را لعنت کن . و نيز لعنت کن تمام کسانى را که به انحراف آنان ، گرايش کرده باشند و مانند پيروى آنها پيروى کرده و راه آنان را رهروى کرده باشند و بدعت آنان را پيش انداخته باشند ، چنان لعنتى که بر خاطر هيچ کس نگذرد و اهل آتش از آن پناه جويند .

اِلْعَنِ اللّهُمَّ مَنْ دانَ بِقَوْلِهِمْ ، وَ اتَّبَعَ اَمْرَهُمْ ، وَ دَعا اِلی وَلایَتِهِمْ ، وَ شَکَّ فی کُفْرِهِمْ ، مِنَ الْاَوَّلینَ وَ الْآخِرینَ .

خدایا لعنت کن هر کس که گفتار ایشان را اطاعت کرده و فرمان آنها را پیروی کرده باشد و مردم را به دوستی آنها فرا خوانده و در کفر آنها شک داشته باشد ، از پیشینیان و پسینیان .

ثُمَّ ادْعُ بِما شِئْتَ (1) -سپس دعا کن به هرچه خواهی .

1- بحارالأنوار : جلد۳۰ صفحه 395 باب۲۰ حدیث 169 و جلد۸۳ صفحه ۵۹ حدیث ٦٧ از کتاب شریف مهج الدّعوات : صفحه ۳۳۳ .

همچنین از جمله دعاهایی که محتوایی شبیه به دعای صنمی قریش دارد ، دعایی از امام رضا (علیه السلام) است که حضرت فرموده اند : (1) مَنْ دَعا فِی سَجْدَهِ الشُّکْرِ بِهذَا الدُّعاءِ کانَکَ الرّامِی مَعَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ بَدْرٍ (فی بَدْرٍ وَ أُحُدٍ وَ حُنَیْنٍ بِأَلْفِ أَلْفِ سَهْمٍ) (2) . قالا : قلنا : فنکتبه؟ قال : اُکْتُبا إِذا أَنْتُما سَجَدْتُما سَجْدَهَ

1- مهج الدّعوات : و منذلک دعاء آخر لمولانا الرّضا علیه السلام فی سجده الشّکر رویناه بإسنادنا إلی سعد بن عبداللّه فی کتاب فضل الدّعاء ، وقال أبوجعفر : عن محمّدبن إسماعیل بن بزیع ، عن الرّضا ، و بکیر بن صالح ، عن سلیمان بن جعفر ، عن الرّضا ، قالا : دخلنا علیه و هو ساجد فی سجده الشّکر فأطال فی سجوده ثمّ رفع رأسه فقلنا له : أطلت السّجود؟ فقال : . مهج الدّعوات : 257 . سایر منابع : المصباح کفعمی : صفحه553فصل٤٤ از مهج الدّعوات ، بحارالأنوار : جلد ٨٣ صفحه ٢٢٣ باب ٤٤ حدیث 44 از مهج الدّعوات و جلد٣٠ صفحه ٣٩٣ باب٢٠ حدیث 166 و ١٦٧ از مهج الدّعوات و المصباح ، مستدرک الوسائل : جلد ٥ صفحه ١٣٩ باب ٥ حدیث 5516 -13 و حدیث 5517 - 14 از مهج الدّعوات و البلدالأمین .

2- المصباح .

الشُّكْرِ فَتَقولا :

هرکس این دعا را در سجده ی شکر بخواند مانند کسی است که در جنگ بدر و احد و حنین با هزار هزار تیر پیامبرخدا صلی الله علیه و آله را همراهی کرده باشد . (راویان گویند :) عرض کردیم : دعا را بنویسیم؟ حضرت فرمود : بنویسید . چون سجده شکر به جا می آورید ، بگویید :

دعای امام رضا علیه السّلام در سجده شکر

اللّهُمَّ الْعَنِ اللَّذَيْنِ بَدَّلا دينَکَ ، وَ غَيَّرا نِعْمَتَکَ ، وَ اتَّهَما رَسُولَکَ(1)

، وَ خالَفا مِلَّتَکَ ، وَ صَدّا عَنْ سَبيلِکَ ، وَ کَفَرا آلاءَکَ ، وَ رَدّا عَلَيْکَ کَلامَکَ ، وَ اسْتَهْزَءا بِرَسُولِکَ ، وَ قَتَلَا ابْنَ نبيِّکَ ، وَ حَرَّفا کِتابَکَ ، وَجَحَدا آياتِکَ ، وَ سَخِرا بِآياتِکَ ، وَ اسْتَکْبَرا عَنْ عِبادَتِکَ ، وَ قَتَلا اَوْلياءَکَ ، وَ جَلَسافی مَجْلِسٍ لَمْ يَکُنْ لَهُما بِحَقٍّ ، وَح َمَلَا النّاسَ عَلی اَکْتافِ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمُ الصَّلَواتُ وَ السَّلامُ) (2) .

1- المصباح : صَلَّی اللّه ُعَلَيْهِ وَ آلِهِ .

2- البحار .

خدایا ! لعنت کن آن دو نفری را که دین تو را تغییر داده و نعمت تو را دگرگون کردند (به کیفر و عذاب تبدیل کردند) و به پیامبرت تهمت زدند و با آیین تو مخالفت کرده و (مردم را) از (رهروی) راه تو باز داشتند . نسبت به نعمت های تو کفر ورزیده و سخن تو را بر تو بازگرداندند پیامبرت را ریش خند کردند و فرزند پیامبرت را کشتند . کتاب تو را تحریف کردند

و آیات تو را تکذیب و انکار کردند و استهزا نمودند و نشانه های تو را به ریش خند گرفتند و نسبت به پرستش تو تکبّر ورزیدند . اولیاء تو را کشتند و در جایگاهی نشستند که سزاوار آنان نبود و مردم را بردوش های آل محمّد علیهم الصّلوات و السّلام سوارکردند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُما لَعْناً یَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً ، وَ احْشُرْهُما وَ اَتْباعَهُما اِلی جَهَنَّمَ زُرْقاً .
اللّهُمَّ اِنّا نَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِاللَّعْنَهِ لَهُما(1) ، وَ الْبَراءَهِ مِنْهُما ، فِی الدُّنْیاوَ الْآخِرَهِ .
اللّهُمَّ الْعَنْ قَتَلَهَ اَمیرِالْمُؤْمِنینَ ، وَ قَتَلَهَ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلیٍّ وَ ابْنِ فاطِمَهَ بِنْتِ رَسُولِ اللهِ(2) ، صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ .

1- البحار١ : عَلَیْهِما .
2- المصباح : بِنْتِ رَسُولِکَ .

خداوندا ! آن دو شخص را لعنت کن ، لعنتی پی درپی ، و آنان و پیروان آنان رابه سوی جهنّم روان کن در حالی که کور باشند . خدایا ! همانا ما به درگاه تو تقرّب می جوییم به سبب و وسیلهٔ لعنت فرستادن بر آن دو و بیزاری جستن از ایشان در دنیا و آخرت . خداوندا ! بر کشندهٔ امیرالمؤمنین لعنت فرست و کشندهٔ امام حسین ، پسرعلی و فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله را لعنت کن .

اللّهُمَّ زِدْهُما عَذاباً فَوْقَ عَذابِ(1) ، وَ هَواناً فَوْقَ هَوانٍ ، وَ ذُلًّا فَوْقَ ذُلٍّ ، وَ خِزْیاً فَوْقَ خِزْیٍ . اللّهُمَّ دُعَّهُماً فِی النّارِ(2) دَعّاً ، وَ اَرْکِسْهُما فی اَلِیمِ عَذابِکَ رَکْساً . اللّهُمَّ احْشُرْهُما وَ اَتْباعَهُما اِلی جَهَنَّمَ زُمَراً .

خداوندابر عذاب ، خواری ، خفّت و رسوایی آنان ، عذاب ، خواری ، خفّت و رسوایی دیگری بیفزا . خدایا ! آنان رابه

سختی ویژه ای در آتش رانده و درعذاب دردناکت ، به شدّت سرنگون فرما . خداوندا ! آن دو و پیروان آنان را دسته جمعی به سوی جهنّم روان فرما .

1- البحار : الْعَذابِ .
2- البحار : إِلَی النّارِ .

اللّهُمَّ فَرِّقْ جَمْعَهُمْ ، وَ شَتِّتْ اَمْرَهُمْ ، وَ خالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ ، وَ بَدِّدْ جَماعَتَهُمْ ، وَ الْعَنْ اَئِمَّتَهُمْ ، وَ اقْتُلْ قادَتَهُمْ ، وَ سادَتَهُمْ ، وَ كُبَراءَهُمْ ، وَ الْعَنْ رُؤَساءَهُمْ ، وَ اكْسِرْ رايَتَهُمْ ، وَ اَلْقِ الْبَأسَ بَيْنَهُمْ ، وَ لا تُبْقِ مِنْهُمْ دَيّاراً .

خداوندا ! جمع آنها را پراكنده و كار ايشان را از هم گسيخته گردان . اتّحاد آنها را از بين ببر . جماعت آنها را متفرّق و پيشوايان آنها را لعنت كن . سركردگان ، برگزيدگان و بزرگان آنها را بكُش و سران آنها را لعنت كن و شكوه

پرچم آنان را بشكن . اندوه و سختى را ميان آنها قرار بده ويک نفر از آنها را باقى نگذار .

اللّهُمَّ الْعَنْ اَباجَهْلٍ وَ الْوَليدَ ، لَعْناً يَتْلُو بَعْضُهُ بَعْضاً ، وَ يَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضاً . اللّهُمَّ الْعَنْهُما لَعْناً يَلْعَنُهُما بِهِ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ ، وَ كُلُّ نَبِیٍّ مُرْسَلٍ ، وَ كُلُّ مُؤْمِنٍ امْتَحَنْتَ قَلْبَهُ لِلْإِيمانِ . اللّهُمَّ الْعَنْهُما لَعْناً يَتَعَوَّذُ اَهْلُ النّارِ مِنْهُ وَ مِنْ عَذابِهِما . اللّهُمَّ الْعَنْهُما لَعْناً لَمْ يَخْطُرْ(1) لِاَحَدٍ بِبالٍ . اللّهُمَّ الْعَنْهُما فی مُسْتَسِرِّ سِرِّکَ ، وَ ظاهِرِ عَلانِيَتِکَ ، وَ

عَذِّبْهُما عَذاباً فِی التَّقْديرِ (وَ فَوْقَ التَّقْديرِ) (2) ، وَ شارِکْ مَعَهُمَا ابْنَتَيْهِما ، وَ اَشْياعَهُما ، وَ مُحِبّيهِما ، وَ مَنْ شايَعَهُما ، إِنَّکَ سَميعُ الدُّعاءِ .

1- البحار : لا يَخْطُرُ .
2- المصباح .

خداوندا ! ابوجهل و ولید را لعنت کن ، لعنتی متداوم و پی در پی . خداوندا ! آن دو نفر را لعنت کن لعنتی که به سبب آن ، هر فرشته ٔ مقرّب و هر پیامبر فرستاده شده و هر مؤمنی که قلبش برای ایمان مورد سنجش قرار گرفته است ، آن دو نفر را لعنت کند . خدایا ! آن دو را به لعنتی لعنت کن که اهل آتش از آن و از عذاب آن دو پناه می جویند . خدایا ! آن دو را به لعنتی لعنت کن که به خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد . خداوندا ! آن دو را در پنهانیِ راز خود و در عیانیِ آشکارخود لعنت کن و آنها را به عذابی معذّب فرماَ که در تقدیر (و بلکه فراتر از تقدیر) است . و با آنان شریک گردان دختران ، پیروان و دوست داران ا یشان و نیز هر کسی را که از آنان پیروی کرد . همانا تو شنونده ٔ دعا هستی .

بخش سوم: متن تلفیقی دعای صنمی قریش از مولی الموحّدین امیرالمؤمنین(ع)

این متن بنابر نقل کتاب رشح الولاء بوده و عبارت های اختلافی آن با سایر منابع دعا ، در [ ] آورده می شود .

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ) .

اللَّهُمَّ الْعَنْ صَنَمَیْ قُرَیْشٍ ، وَ جِبْتَیْها ، وطاغُوتَیْها ، وَاِفْکَیْها ، وَ ابْنَتَیْهِما اللَّذَیْنِ خالَفا اَمْرَکَ ، وَ اَنْکَرا وَحْیَکَ ، وَ جَحَدا اِنْعامَکَ [آلاءَکَ] ، وَ عَصَیا رَسُولَکَ ، وَ قَلَّبا دِینَکَ ، وَ حَرَّفا کِتابَکَ ، وَ عَطَّلا اَحْکامَکَ ، وَ اَبْطَلافَرائِضَکَ ، وَ اَلْحَدافیآیاتِکَ ، وَ عادَیا اَوْلِیاءَکَ ، وَ اَحَبّا [والَیا] اَعْداءَکَ ، وَخَرَّبا بِلادَک ، وَ اَفْسَداعِبادَکَ .

(خداوندا ! بر محمّد و آل محمّد درود فرست) .

خدایا ! لعنت کن دو بت قریش را و دو افسون گر متجاوز و دروغ گوی آن (ابوبکر و عمر) و دختران آن ها (عایشه و حفصه) را . آن دو که با امر تو مخالفت کرده ، وحی تو را انکار و نعمت هایت را که بخشیده بودی ، انکار و تکذیب کردند . و پیامبرت را نافرمانی کردند و دین تو را (از حق به باطل) وارونه ساختند و کتاب تو را تحریف نمودند . احکام تو را وانهادند و آنچه واجب نمودی باطل کردند . و به آیات تو کفر ورزیده و با اولیایت دشمنی کردند ، دشمنانت را

دوست [سرپرست] گرفتند و شهرهای (دین) تو را ویران و بندگانت را تباه کردند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُما ، [وَ اَنْصارَهُما] ، وَ اَتْباعَهُما ، وَ اَوْلِياءَهُما ، وَ اَشْياعَهُما ، وَ مُحِبِّيهِما . فَقَدْ اَخْرَبا بَيْتَ النُّبُوَّهِ ، وَ رَدَمابابَهُ ، وَ نَقَضا سَقْفَهُ ، وَ اَلْحَقا سَماءَهُ بِاَرْضِهِ ، وَ عالِيَهُ بِسافِلِهِ ، وَ ظاهِرَهُ بِباطِنِهِ ، وَ اسْتَأْصَلا اَهْلَهُ ، وَ اَبادا اَنْصارَهُ ، وَ قَتَلا اَطْفالَهُ ، وَ اَخْلَيا مِنْبَرَهُ مِنْ وَصِيِّهِ ، وَ وارِثِ عِلْمِهِ [وارِثِهِ] ، وَ جَحَدا اِمامَتَهُ [نُبُوَّتَهُ] ، وَ اَشْرَكا بِرَبِّهِما ، فَعَظِّمْ

ذَنْبَهُما ، وَ خَلِّدْهُما فی سَقَرَ ، *وَ ما اَدْراکَ ما سَقَرُ لا تُبْقی وَ لا تَذَرُ * . (1)

1- سوره (٧٤) المدّثّر آیه ٢٨ و ٢٩ .

خدایا ! لعنت کن آن دو (ابوبکر و عمر) و [یاران] و پیروان ، و سرپرست گیرندگان و رهروان و دوست داران آن دو را . به تحقیق خانه ی نبوّت را ویران کرده و درب آن را بستند و بامش را ویران و آسمان و زمین آن و زیر و زبر و آشکار و نهان آن خانه را به هم پیوند داده و اهل آن را ریشه کن و یارانش را نابود کردند و کودکانش را کشتند و منبرش را از جانشین و وارث علمش [وارثش] خالی کرده وامامت [نبوّت] او را انکار کردند و به پروردگارشان شرک ورزیدند . پس گناهشان را بزرگ بشمار و در «سَقَر» جاودانشان فرما . (که فرمودی) : و تو چه می دانی «سَقَر» چیست (آتشی که) نه چیزی باقی و نه کسی را رها کند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ مُنْكَرٍ اَتَوْهُ ، وَ حَقٍّ اَخْفَوْهُ ، وَ مِنْبَرٍ عَلَوْهُ ، وَ مُؤْمِنٍ اَرْجَوْهُ [آذَوْهُ] ، وَ مُنافِقٍ وَلَّوْهُ ، وَ وَلِیٍّ آذَوْهُ ، وَ طَریدٍ آوَوْهُ ، وَ صادِقٍ طَرَدُوهُ ، وَ کافِرٍنَصَرُوهُ ، وَ اِمامٍ قَهَرُوهُ ، وَ فَرْضٍ غَیَّرُوهُ ، وَ اَثَرٍ اَنْکَرُوهُ ، وَ شَرٍّ آثَرُوهُ [اَضْمَرُوهُ] ، وَ دَمٍ اَراقُوهُ ، وَ اَمْرٍ (خَبَرٍ) [خَیْرٍ] بَدَّلُوهُ ، وَ کُفْرٍ نَصَبُوهُ [اَبْدَعُوهُ] ، وَ حُکْمٍ قَلَبُوهُ [قَلَّبُوهُ] ، [وَ کِذْبٍ دَلَّسُوهُ] ، (وَظُلْمٍ نَشَرُوهُ) .

خدایا ! ایشان را لعنت کن به تعداد تمام کارهای ناپسندی که آوردند و هر حقّی که نهان داشتند و هر منبری که (به ناحق) بالا رفتند و هر مؤمن که وانهادند [آزردند] و هر منافقی که او را ولایت دادند و هر ولیّ ای که آزردند و هر رانده شده ای که بازگردانده و هر راستگویی که راندند و هر کافری که یاری کرده و هر امامی که ناکام و خوار کردندو هر واجبی که تغییر دادند و هر اثر ی که انکار نمودند (درباره ی آن خود را به بی اطّلاعی زدند) و هر شرّی که اختیار [پنهان] کردند و هر خونی که (به ناحق) ریختند و هر [خبر - خیری] که تغییر و هر کفری که قرار دادند [ایجاد کردند] و هر حکمی که وارونه کردند [و هر دروغی که حقیقتش را نهان کرده] (و هر ستمی که گستردند) ،

وَ اِرْثٍ غَصَبُوهُ ، وَ فَیْ ءٍ اقْتَطَعُوهُ ، وَ سُحْتٍ اَکَلُوهُ ، وَ خُمْسٍ اسْتَحَلُّوهُ ، وَ باطِلٍ اَسَّسُوهُ ، وَ جَوْرٍ بَسَطُوهُ ، وَ نِفاقٍ اَسَرُّوهُ ، وَ غَدْرٍ اَضْمَرُوهُ ، وَ ظُلْمٍ [ظِلٍّ] نَشَرُوهُ ، وَ وَعْدٍ اَخْلَفُوهُ ، وَ اَمانٍ خانَوْهُ ، (وَ اِمامٍ حارَبُوهُ) ، وَ عَهْدٍ نَقَضُوهُ ، وَ حَلالٍ حَرَّمُوهُ ، وَ حَرامٍ اَحَلُّوهُ [حَلَّلُوهُ] ، [وَ نِفاقٍ اَسَرُّوهُ ، وَ غَدْرٍ اَضْمَرُوهُ] ، وَ بَطْنٍ فَتَقُوهُ ، وَ جَنینٍ اَسْقَطُوهُ ، وَ ضِلْعٍ دَقُّوهُ [کَسَرُوهُ] ، وَ صکٍّ مَزَّقُوهُ ، وَ شَمْلٍ بَدَّدُوهُ ، وَ عَزِیزٍ اَذَلُّوهُ ، وَ ذَلِیلٍ اَعَزُّوهُ ، وَ حَقٍّ مَنَعُوهُ ، (وَ اِمامٍ خالَفُوهُ) .

و اِرثی که به ناحق تصرّف کردند و سهمی که از صاحبش منع و هر مال حرامی که خوردند و سهم خمسی که (برای خود) حلال شمردند و هر باطلی که بنا کرده و هر ستم که گسترده کردند و هر نفاقی که نهان کرده و هر حیله که پنهان کردند . و هر ظلم [تاریکی] که گسترده کرده و هر وعده که وفا نکرده و هر امانت که بدان خیانت کردند هر امامی که با او جنگیدند و هر پیمان که شکستند و هر حلالی که حرام و هر حرامی که حلال کردند [و هر نفاقی که پنهان و هر نیرنگ که نهان کردند] و شکمی که پاره کردند و جنینی که او را سقط کردند و پهلویی که شکستند و سندی که پاره کردند و جمعی که پراکنده کردند و عزیزی که خوار نمودند و ذلیلی که عزیزش کردند . و حقّی که آن را (از صاحبش) بازداشته و امامی که با او مخالفت کردند .

ص : 80

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ بِعَدَدِ كُلِّ [بِكُلِّ] آيَةٍ حَرَّفُوها ، وَ فَرِيضَةٍ تَرَكُوها ، وَ سُنَّةٍ غَيَّرُوها ، وَ اَحْكامٍ عَطَّلُوها ، وَ رُسُومٍ قَطَعُوها [مَنَعُوها] ، وَ اَيْمانٍ جَحَدُوها ، وَ وَصِيَّةٍ ضَيَّعُوها ، وَ بَيْعَةٍ نَكَثُوها ، [وَ اَرْحامٍ قَطَعُوها] ، وَ شَهادَةٍ كَتَمُوها ، وَ دَعْوَى اَبْطَلُوها ، وَ بَيِّنَةٍ اَنْكَرُوها وَ حيلَةٍ اَحْدَثُوها ، وَخِيانَةٍ اَوْرَدُوها ، وَ اَمانَةٍ خانُوها ، وَ عَقَبَةٍ ارْتَقَوْها ، وَدِبابٍ دَحْرَجُوها ، وَ اَزْيافٍ لَزِمُوها .

خدایا ! آن دو را به تعداد تمام آیاتی که تحریف کردند لعنت کن و به تعداد تمام واجب هایی که ترک کردند و سنّت هایی که تغییر داده و احکامی که کنار نهادند و سهم هایی که از صاحبش بازداشتند و پیمان هایی که تکذیب و انکار کردند و وصیّتی که آن را تباه ساختند (نادیده گرفتند و بدان عمل نکردند) . و بیعتی که شکستند [و ارحامی که قطع کردند] و شهادت هایی که پنهان داشتند و ادّعاهای حقّی که باطل کرده و دلایل آشکاری که انکار کردند و هر تصرّفی که (حقّ انجام آن را نداشتند امّا به ناحق) انجام دادند . و خیانت هایی که مرتکب شده و امانت هایی که به آن خیانت کردند . و گردنه هایی که (برای کشتن پیامبر صلّی الله علیه و آله) از آن ها بالا رفتند . و پیمانه هایی که وارونه کردهو نیرنگ هایی که بدان ملتزم بودند .

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ فِى مُسْتَسِرِّ [مَكْنُونِ] السِّرِّ ، وَ ظاهِرِ الْعَلانِيَهِ لَعْناً كَثيراً اَبَداً ، دائِماً دائِباً سَرْمَداً ، لَا انْقِطاعَ لِاَبَدِهِ (لِعَدَدِهِ) ، وَ لا نَفادَ لِعَدَدِهِ (لِاَمَدِهِ) ، لَعْناً لا يَعُودُ (يَغْدُو) اَوَّلُهُ ، وَ لا يَنْقَطِعُ (لا يَرُوحُ) آخِرُهُ ، لَهُمْ ، وَ لِاَنْصارِهِمْ ، وَ اَعْوانِهِمْ ، وَ مُحِبِّيهِمْ ، وَ مَوالِيهِمْ ، وَالْمُسَلِّمِينَ لَهُمْ ، وَ الْمائِلِينَ اِلَيْهِمْ ، وَ النّاهِضِينَ بِاَجْنِحَتِهِمْ (بِاحْتِجاجِهِمْ) ، وَ الْمُعْتَقِدينَ بِمَوَدَّتِهِمْ ، [وَ الْمُعْتَدّينَ بِهَدْيِهِمْ] ، وَ الْمُصَدِّقِينَ بِاِجابَتِهِمْ ، (وَ الْمُعْتَدينَ بِكَلامِهِمْ بِمَوَدَّتِهِمْ) وَ الْمُصَدِّقِينَ بِاَحْكامِهِمْ ، [وَ الْمُقْتَدِينَ بِكَلامِهِمْ] .

خداوندا ! آنان را لعنت کن در پنهانی راز و در آشکاری عیان . لعنتی بسیار زیاد ، همیشگی ، پیوسته ، پیاپی و جاوید . که نه زمان آن تمام شود و نه تعدادش . لعنتی که ابتدای آن بازنگردد (بامداد باشد) و پایان آن ، به انجام نرسد . که برای آنان باشد و برای یاران و یاوران ، دوستداران و پیروان آنان ، و برای کسانی که در برابر ایشان ، تسلیم هستند و آنان که به سوی ایشان ، مایل هستند . و برای کسانی که به یاری (و دلالت) آنان به پا خواسته و کسانی که دوستی آنان را باور دارند [و کسانی که کاملاً رهروی آنان هستند] و کسانی که اجابت کردن آنان را تصدیق می کنندو کسانی که (کلام - دوستی) آنان را باور دارند و کسانی که احکام (باطل) آنان را تصدیق می کنند [و آنان که از کلام ایشان ، پیروی می کنند] .

سپس چهار مرتبه می گوید :

اَللَّهُمَّ عَذِّبْهُمْ عَذاباً (اَلیماً) یَسْتَغِیثُ مِنْهُ اَهْلُ النّارِ (فِی النّارِ) .

بارالها ! آنان را به عذابی (دردناک) معذّب فرما ، که اهل آتش (در آتش) از آن امان می خواهند .

آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ .

ملتمس دعا

عبدالزّهراء (علیها السلام) حیدر

والسّلام علی من اتّبع الهدی

کتاب نامه

ص : 85

قرآن کریم ، الله تبارک و تعالی .

أعلام النّساء ، عمر رضا کحّاله .

أعیان الشّیعه ، سید محسن امین عاملی .

أنساب الأشراف ، بلاذری .

إختیار معرفه الرّجال ، محمّد بن عمر کشّی .

الدّرّ النّظیم ، ابن حاتم عاملی .

الصّراط المستقیم ، علی بن یونس نباطی بیاضی .

الشّافی فی الإمامه ، سیّد مرتضی علم الهدی .

النّصّ علی أمیرالمؤمنین (علیه السلام) ، سید علی عاشور .

السّقیفه وفدک ، جوهری .

الإمامه والسّیاسه ، ابن قتیبه دینوری .

الرّسائل السّیاسیّه ، جاحظ .

البلد الأمین ، شیخ ابراهیم بن علیّ عاملی کفعمی .

التّعلیقه علی المکاسب ، سیّد مجاهد عبدالحسین لاری .

الذّریعه ، شیخ آقابزرگ تهرانی .

الغدیر ، علامه شیخ عبد الحسین امینی .

الغیبه ، شیخ ابوجعفر محمّد طوسی .

الکافی ، ابوجعفر محمّد بن یعقوب کلینی .

المحاسن ، احمد بن محمّد بن خالد برقی .

المحتضر ، شیخ حسن بن سلیمان حلّی .

المصباح ، شیخ ابراهیم بن علیّ عاملی کفعمی .

الوافی ، ملا محمّد محسن فیض کاشانی .

الهجوم علی بیت فاطمه علیها السلام ، عبدالزّهراء مهدی .

بحارالأنوار ، ملا محمّدباقر مجلسی دوم .

بشارهالمصطفی ، عماد الدین طبری .

بصائرالدّرجات ، محمّد بن حسن صفّار .

تأویل الآیات الظّاهره ، سید شرف الدین حسینی استرآبادی .

ترجمه فرحه الغری ، علامه ملا محمّد باقر مجلسی دوّم .

تفسیر ، علیّ بن ابراهیم قمی .

تفسیر ، محمّد بن مسعود عیّاشی .

تقریب المعارف ، شیخ ابوصلاح حلبی .

تلخیص الشّافی ، شیخ محمّد بن حسن طوسی .

جامع أحادیث الشّیعه ، به إشراف آیهالله بروجردی رحمه الله علیه .

دقائق التّأویل و حقائق التّنزیل ، حسنی ابوالمکارم محمودبن محمّد .

دلائل الإمامه ، محمّد بن جریر طبری شیعی .

رشح الولاء فی شرح الدّعاء ، شیخ ابوالسّعادات اسعد بن عبدقاهر بن اسعد اصفهانی .

روضهالمتّقین ، ملامحمّدتقی مجلسی اوّل .

شاخهٔ طوبی ، میرزا حسین نوری طبرسی .

شرح إحقاق الحق ، آیهالله مرعشی نجفی رحمه الله علیه .

شرح نهج البلاغه ، ابن أبی الحدید .

شهاب ثاقب ، ملا مهدی نراقی .

علم الیقین فی اصول الدّین ، ملامحمّد محسن فیض کاشانی .

عوالم العلوم ، شیخ عبد الله بحرانی اصفهانی .

فضائل اهل بیت رسول صلی الله علیه و آله و مناقب اولاد بتول (علیه السلام) ، عمادالدّین حسن بن علی طبری .

قرّه العیون ، ملا محمّد محسن فیض کاشانی .

کتاب الأربعین ، ملامحمّدطاهر قمی .

کتاب الصّلاه ، شیخ انصاری .

لوامع صاحبقرانی ، ملامحمّدتقی مجلسی اوّل .

مأساه الزّهراء علیها السلام ، سیّد جعفر مرتضی عاملی .

مجمع النّورین ، شیخ أبوالحسن مرندی .

مستدرک الوسائل ، میرزا حسین نوری طبرسی .

مشکاهالأنوار ، ابوالفضل علی بن حسن طبرسی .

مناقب آل أبی طالب علیهم السلام ، محمّد بن شهرآشوب مازندرانی .

مناقب أهل البیت علیهم السلام ، مولی حیدر شیروانی .

موسوعهشهادهالمعصومین علیهم السلام ، مؤسّسه امام محمّد باقر (علیه السلام) .

منهاج البراعه ، میرزا حبیب الله خویی .

مهج الدّعوات ، سیّد علیّ بن طاووس .

ص : 90

نوادر الأخبار ، ملا محمّد محسن فیض کاشانی .

نورالبراهین ، سیّد جلیل نعمهالله جزائری .

وسائل الشیعه ، محمّد بن حسن حرّ عاملی .

فهرست مطالب

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109